

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره پنجاه و چهارم، تابستان ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی، صفحات ۳۱-۵۴

نقش بناهای یادمانی در تکوین راه‌های ارتباطی سده‌های میانی دوران اسلامی (مطالعه موردی: منطقه بیجار گروس)

علی بهنیا^۱

چکیده

بناهای یادمانی یکی از متداول‌ترین سازه‌های عمومی در معماری اسلامی پس از مساجد به حساب می‌آیند. در بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بیجار گروس در شرق استان کردستان، تعداد هشت بنا شناسایی شده‌است. با توجه به قرارگیری این منطقه در مسیرهای ارتباطی شمال غرب به غرب ایران و همچنین همجواری با مراکز مهم حکومتی مانند مراغه، سلطانیه و تخت سلیمان، این بناها افزون‌بر کارکرد یادمانی، به‌عنوان میل راهنما در مسیر ارتباطی کاروانیان کاربرد داشته‌است. هدف از این پژوهش معرفی بناهای یادمانی به‌منظور ارائه تصویری روشن از راه‌های ارتباطی در دوران اسلامی منطقه بیجار گروس است. لیکن شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در مقایسه بناهای راهنما با مناطق همجوار به‌ویژه دشت زنجان که از لحاظ محیطی و فرهنگی تقریباً شرایط یکسانی را با منطقه گروس دارند می‌تواند در ترسیم این مهم بسیار حائز اهمیت باشد. سؤال اصلی پژوهش این است که چه عواملی در شکل‌گیری و ایجاد بناهای یادمانی منطقه بیجار گروس نقش داشته و این بناها تا چه حد در بازسازی مسیرهای ارتباطی مؤثر بوده‌اند؟ به‌نظر می‌رسد عوامل محیطی و سیاسی-اجتماعی مانند همجواری با مراکز مهم سیاسی آن روزگار، ایمن بودن مسیر به علت حضور حکام محلی قدرتمند و شرایط محیطی مناسب (دسترسی به آب و وجود روستاهای متعدد) در تکوین و شکل‌گیری برج‌های منطقه در دوره سلجوقی و ایلخانی نقش داشته‌اند. روش تحقیق در این پژوهش تاریخی-تحلیلی است که بر اساس بررسی‌های میدانی، تهیه تصاویر و بررسی متون تاریخی و مدارک کتابخانه‌ای صورت گرفته‌است.

کلیدواژه‌ها: بناهای یادمانی، برج آرامگاهی، بیجار گروس، معماری ایلخانی، میل راهنما.

۱. دکتری باستان‌شناسی، اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان، سنندج، ایران.

ali.behnia74@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۸/۰۹

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۵/۱۲

The Role of Monumental Structures in the Formation of Communication Routes during the Middle Islamic Centuries (A Case Study: Bijar-Garrus Region)

Ali Behnia¹

Abstract

Monumental structures are among the most common public buildings in Islamic architecture after mosques. Archaeological surveys conducted in the Bijar-Garrus region, located in eastern Kurdistan Province, have identified eight such monuments. Due to the region's strategic position along the communication routes connecting northwestern to western Iran, as well as its proximity to major political centers such as Maragheh, Soltaniyeh, and Takht-e Soleyman, these monuments—beyond their commemorative function—also served as guiding towers (*mil-e rahnamā*) for caravans traveling through the area. The aim of this study is to introduce these monumental structures in order to provide a clearer understanding of the communication networks in the Islamic periods of the Bijar-Garrus region. Comparing the characteristics of these guiding towers with those of neighboring regions—particularly the Zanjan plain, which shares similar environmental and cultural conditions—offers valuable insights into the formation of these routes. The main question addressed in this research is: What factors contributed to the creation of the monumental buildings in the Bijar-Garrus region, and to what extent did they influence the reconstruction of historical communication routes? The findings suggest that environmental and socio-political factors—such as proximity to major political centers of the era, the safety of routes ensured by strong local rulers, and favorable environmental conditions (access to water and the presence of numerous villages)—played a significant role in the development of these towers during the Seljuk and Ilkhanid periods. The research adopts a historical-analytical approach, relying on field observations, photographic documentation, and the examination of historical texts and archival materials.

Keywords: Monumental buildings, funerary towers, Bijar-Garrus, Ilkhanid architecture, guide towers (*mil-e rahnamā*).

1. Ph.D. in Archaeology, Kurdistan Provincial Office of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts. Sanandaj, Iran. ali.behnia74@gmail.com

درآمد

در دوره سلجوقیان (قرن ۵ و ۶) احداث برج مقبره‌ای و میل‌های راهنما که معمولاً بر سر مسیرهای ارتباطی جهت کمک به کاروانیان در طی مسیر احداث می‌شد، به صورت یک بنای مذهبی و خدماتی به اوج خود رسید و ساخت برج مقبره‌ها و میل‌ها با پلان‌های متنوع فراگیر شد (مشبکی اصفهانی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶). دوره ایلخانی نیز از مهمترین دوره‌های ساخت مقابر برجی و میل‌ها در دوره اسلامی است. آزادی مذهبی مغولان از یکسو و رشد فزاینده فرق و مذاهب از سوی دیگر باعث شده در آن دوره برج مقبره‌ها با تنوع بیشتر در ساختار و تزئینات ساخته شود. در آن دوره مراغه، تبریز، سلطانیه به‌عنوان پایتخت مغولان و مناطق همجوار، مرکز ثقل هنر و معماری ایران بودند. برج‌ها بر اساس خاستگاهشان نقش‌های متفاوتی را ایفا می‌کردند. در سده‌های میانی برج‌ها علاوه بر حفظ کارکرد آرامگاهی در بخش‌هایی نیز برای راهنمای مسافرین مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در همان دوره هشت بنای یادمانی با کارکرد راهنما در منطقه بیجار گروس ساخته شد.

در منابع تاریخی و متون مکتوب دوره اسلامی به‌ویژه قرون میانی از بیجار گروس به‌عنوان یکی از مناطق مهم و مؤثر در امور سیاسی، اجتماعی، هنری و تاریخی عراق عجم و یا جبال نام برده شده است (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۴، ص. ۷۷۹). وجود آثار بی‌شمار تاریخی و یادمانی معماری دوره اسلامی منطقه نیز تا حدی نشان دهنده هنرنمایی هنرمندان ادوار مختلف اسلامی بوده که در پرتو حمایت‌های سلاطین به‌ویژه در دوره سلجوقی و ایلخانی و بالاخص حاکمان محلی آنان شکل گرفته است. بناهای مورد پژوهش که در شهرستان بیجار گروس واقع شده‌اند از دیدگاه مکان‌یابی، فرم و کارکرد و استفاده از مصالح بوم‌آورد قابل مطالعه هستند.

این پژوهش سعی دارد تا با مطالعه بناهای (برج) شناسایی شده از بررسی باستان‌شناختی منطقه بیجار گروس (عزیزی، ۱۳۸۰؛ الیاسوند، ۱۳۸۵؛ همو، ۱۳۸۶) به پرسش‌های پیش‌رو پاسخ دهد: ۱- چه عواملی در شکل‌گیری و ایجاد بناهای یادمانی منطقه نقش داشته است؟ ۲- سنت و شیوه‌های معماری ادوار قبل تا چه حد در

شکل‌گیری بناها مؤثر بوده است؟ ۳- بناهای مورد مطالعه‌ها در بازسازی مسیرهای ارتباطی چه نقشی را ایفا و از لحاظ مصالح و شکل ظاهری قابل مقایسه با کدام نمونه‌ها در منطقه است؟

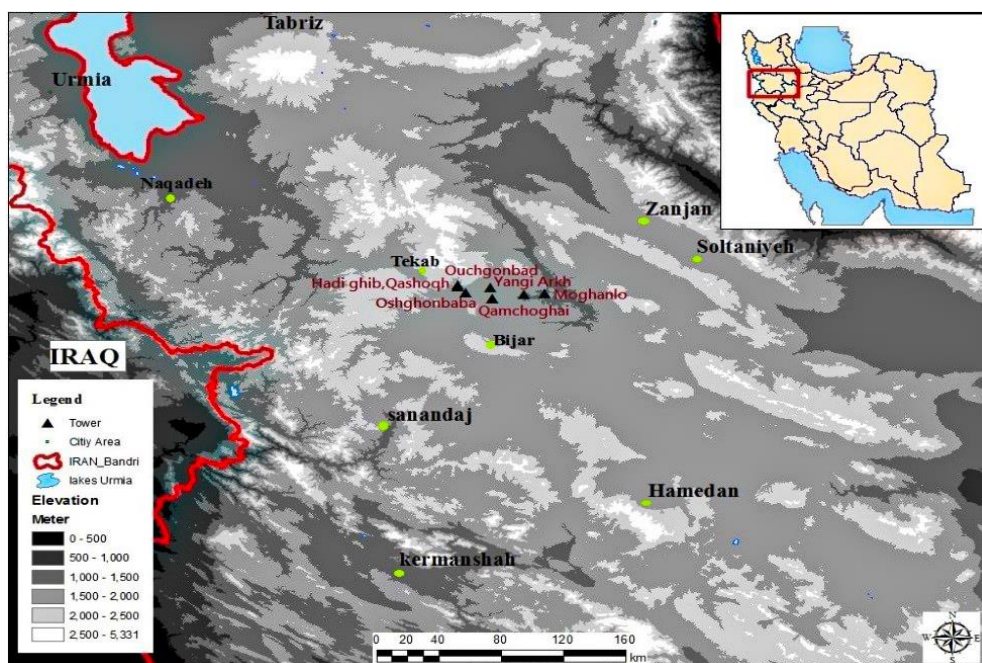
فرضیه‌های پژوهش عبارتند از: عوامل اجتماعی، مذهبی و سیاسی در تکوین و شکل‌گیری برج‌های منطقه در دوره سلجوقی و ایلخانی نقش داشته‌اند. همجواری با مراکز مهم سیاسی آن روزگار، ایمن بودن مسیر به علت حضور حکام محلی قدرتمند و شرایط محیطی مناسب از جمله دسترسی آسان به آب و وجود روستاهای متعدد در طول مسیر از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود. تکیه بر سنت‌های پیشین و استفاده از الگوی بناهای یادمانی برجای مانده از دوره ساسانی و اسلامی در ساخت برج‌های راهنمای منطقه مؤثر بوده است. مشابهت برج‌های برجای مانده در منطقه همجوار از جمله میل خوئین، آرامگاه قیدار نبی علیه السلام و برج گنبد کهریز سیاه منصور (ایجرود) در استان زنجان و مقایسه آنها با برج‌های منطقه بیجار علاوه بر بازسازی مسیرهای ارتباطی در گذشته بین تخت سلیمان و سلطانیه، نشان از کارکرد اصلی این برج‌ها به عنوان میل راهنما دارد.

این پژوهش، تاریخی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای همراه با بررسی و مشاهده میدانی بناها انجام گرفته است. در جمع‌بندی اطلاعات به دست آمده از رویکرد تحلیلی-تطبیقی بهره گرفته شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس مقایسه و تحلیل استوار است. فرایند تحقیق ابتدا توصیف و بررسی ویژگی‌های معماری و سپس تحلیل، تطبیق و مقایسه ویژگی‌های معماری و تزئینات آنها، مشخص نمودن تشابهات و تفاوت‌های بناهای مورد مطالعه، بحث و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری نهایی است.

پیشینه پژوهش

اطلاعات بناهای مورد مطالعه علاوه بر پرونده‌های ثبتی، که گزارش آنها مربوط به کارشناسی دهه ۱۳۵۰ش است، مختصری نیز در کتاب *سیمای میراث فرهنگی کردستان*

(۱۳۸۱ش) و آثار فرهنگی، باستانی و تاریخی استان کردستان (۱۳۹۲) هر دو نوشته زارعی منتشر شده است. مقاله‌ای با عنوان «بازنشانی سه برج آرامگاهی در شهرستان بیجار استان کردستان»، تنها کار پژوهشی در این باره محسوب می‌شود (زارعی، ۱۳۹۶ش). نگارنده در سال ۱۴۰۱ش در بازدید و بررسی مجدد از بناهای شهرستان بیجار موفق به شناسایی چند برج دیگر شده که برای تکمیل پژوهش به مطالعه آنها پرداخته است. این نوشتار پژوهشی مستقل در این زمینه است و هدف آن نشان دادن اهمیت مطالعه کامل این بناها در سده‌های میانی دوره اسلامی است (تصویر ۱).



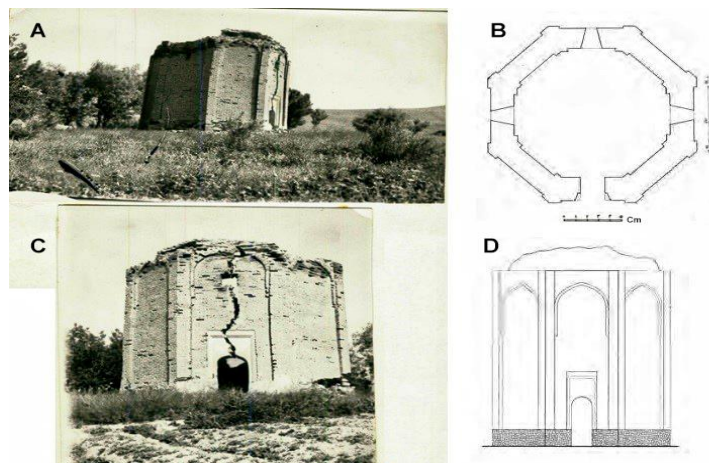
تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی بیجار با عوارض طبیعی (نگارنده، ۱۴۰۱)

۱. برج اشقون بابا

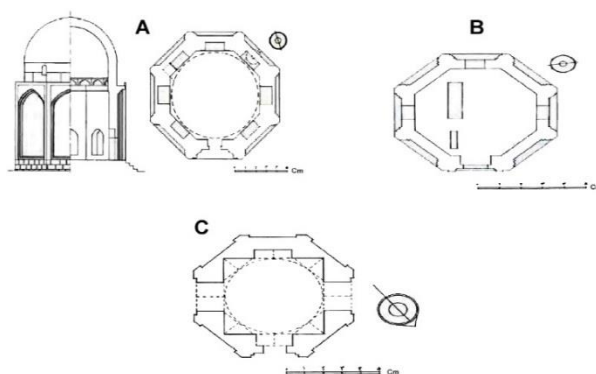
اثر معروف به برج اشقون بابا در فاصله دو کیلومتری جنوب شرقی روستای ینگگی کند از توابع بخش سیاه منصور و در فاصله تقریبی ۶۰ کیلومتری شمال شهر بیجار قرار گرفته است (تصویر ۱). این اثر به شماره ۱۶۴۳ در فهرست آثار ملی کشور با قدمت قرن شش هجری قمری به ثبت رسیده است (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۰).



بنای برج در دوره سلامت خود بر روی تپه‌ای نسبتاً کم ارتفاع با پلان هشت ضلعی توسط آجر احداث شده است. در پی بنا از مصالح سنگی و شفته آهک استفاده شده و ازاره بنا از سنگ‌های مکعبی تا ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر ساخته شده است. بعد از ازاره قسمت اصلی بنا تا پاکار سقف گنبدی با استفاده از آجر با ابعاد ۲۶×۲۶×۵ سانتی‌متر متعلق به دوره سلجوقی با پیوند منظم ایجاد شده است. بنا دارای تزئینات آجری و آجرکاری با طاق‌نماهایی از نوع جناغی در اضلاع هشت‌گانه و گوشواره‌های آجری در ابعاد گوناگون است. در تزئینات داخلی از قوس تیزدار، طاق‌نما، قاب گچی و اندود گچی استفاده شده است. بر اساس پرونده ثبتی اثر در قسمت بالای طاق‌نما و در قسمت رخیبام کاشی‌کاری وجود داشته که به صورت یک دست رنگ لاجوردی به‌کار رفته و در طاق‌نما با آجر ساده کار شده است. ارتفاع بنا در زمان قبل از تخریب به بیش از ۱۴ متر می‌رسید. با توجه به مصالحی که در بنا به‌کار رفته به‌نظر می‌رسد در پوشش سقف از گنبد با بکارگیری مقرنس سه گوش در زوایایی هر ضلع استفاده شده، این مقرنس‌ها در گوشه و بالای هر یک از اضلاع با کمی اندود گچی زینت یافته و با ترمبه‌های گوشه سقف گنبدی به صورت دوپوسته گسسته که خود آن از نوع گنبد رگ چند ترک بوده ساخته شده است. بر اساس فرم و شکل، ساخت برج متعلق به دوره سلجوقی است (زارعی، ۱۳۹۶، ص. ۸۰). قطر داخلی بنا ۵ متر و قطر بیرونی آن ۶/۱۷ متر و اندازه هر ضلع ۲/۳۰ متر است. بر روی چهار ضلع چهار نورگیر تعبیه شده که دارای فرم اوژیو است و نور داخل برج را تأمین می‌کند (تصویر ۲). این برج یک اقامتگاه بین راهی و یک میل راهنما به‌نظر می‌رسد. البته از نظر پلان و ساختار کلی با بناهای هم‌دوره از جمله امامزاده جعفر در قم، چلبی اغلو در سلطانیه و امامزاده جعفر در اصفهان قابل مقایسه است (تصویر ۳). همگی بناهای ذکر شده مربوط به دوره ایلخانی هستند، و این مسئله را نباید از نظر دور داشت که قبل از به‌کارگیری آن به‌عنوان میل راهنما یک برج آرامگاهی بوده‌اند.



تصویر ۲. نما، پلان و مقطع برج اشقون بابا روستای علیشاه دهستان سیاه منصور (آرشیو میراث فرهنگی کردستان، ۱۳۵۲)

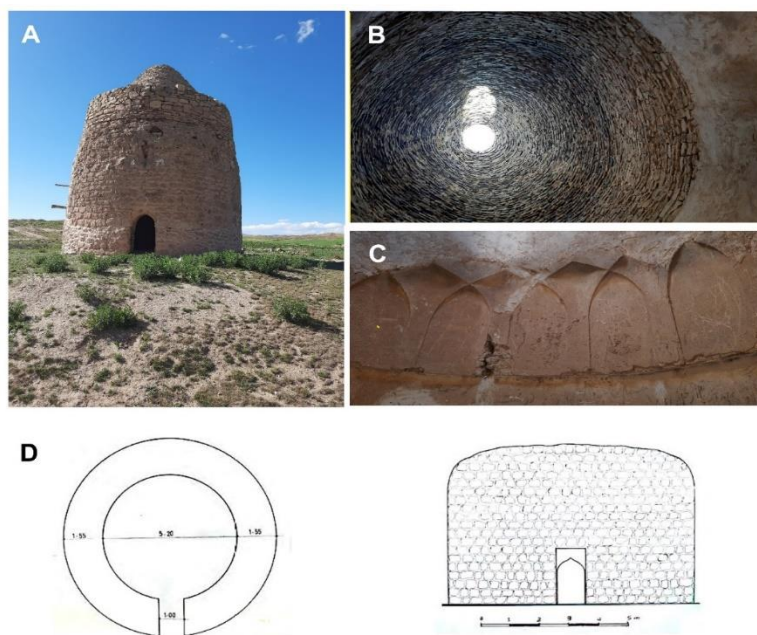


تصویر ۳. پلان (A) مقبره شیخ براق (B) امامزاده جعفر اصفهان (C) امامزاده جعفر قم (زارعی، ۱۳۹۶، ص. ۸۲)

۲. بنای ینگه ارخ

بنای یادمانی ینگه ارخ در روستای به همین نام از توابع بخش کرانی و به صورت منفرد در ضلع شرقی روستا و به فاصله ۱۵۰ متری از جاده آسفالت به سمت خرابه چوله ارخ قرار دارد. بنا در ۱۷ کیلومتری شمال شرقی بنای اوچ گنبدخان و ۱۱ کیلومتری غرب بنای مغالو شهرستان بیجار قرار گرفته است. در سال ۱۳۸۰ این اثر به شماره ۵۰۸۱ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. پلان بنا به حالت مدور با

قطر داخلی ۵۲۰ سانتی‌متر و قطر بیرونی ۸۳۰ سانتی‌متر و ضخامت دیوار ۱/۱۰ متر و با مصالح گچ و لاشه سنگ‌های محلی ساخته شده‌است. سقف بنا به دلیل عدم رعایت مسائل حفاظتی تخریب شده؛ اما کاربردی‌های گچی آن هنوز باقی مانده‌است. ارتفاع در قسمت بیرونی بنا به ۸/۱۰ متر و در قسمت داخلی تا قسمت پاکار گنبد به ۵/۹۰ متر می‌رسد. گنبد که بارها مورد مرمت قرار گرفته از نوع دو پوسته است و ارتفاع آن به ۲/۲۰ متر می‌رسد (تصویر ۴). این بنا هیچ‌گونه تزئینات بیرونی ندارد اما در قسمت داخل آن تزئینات گچی دیده می‌شود. هیچ‌گونه نوشتار و سندی که تاریخ ساخت بنا را نشان دهد در دسترس نیست و بر اساس پرونده ثبتی، زمان ساخت ینگلی اریخ، دوره صفویه است (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۴).



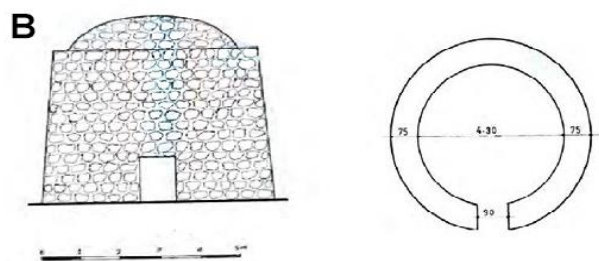
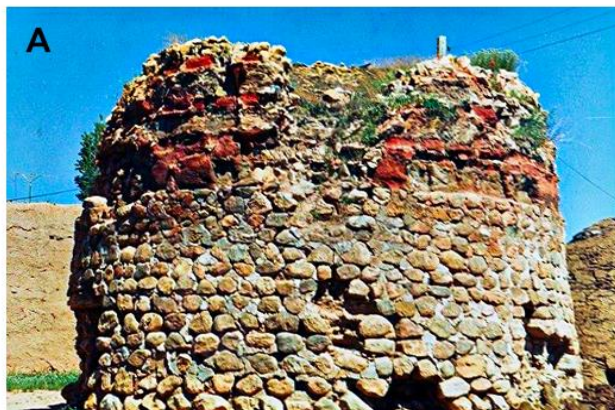
تصویر ۴. پلان، نما و مقطع برج ینگلی اریخ (آرشیو میراث فرهنگی کردستان، ۱۳۵۲ و ۱۳۶۳)

۳. بنای اوچ گنبد

در غرب روستای اوچ گنبد خان در دهستان طغامین و از توابع بخش کرانی شهرستان بیجار بنای یادمانی اوچ گنبد واقع شده‌است. پلان اثر به شکل دایره و مصالح

آن از سنگ و ساروج است. ارتفاع بنا به ۶ متر می‌رسد و در سال ۱۳۸۰ به شماره ۵۰۸۲ با قدمت صفویه آن را در فهرست آثار ملی کشور ثبت کرده‌اند (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۴). بنا به صورت بنای آرامگاهی و یا میل راهنما در دوره سلجوقی و ایلخانی ساخته شده و از نظر شکل ظاهری با برج مدور مراغه قابل مقایسه است (هیلن براند، ۱۳۷۹، ص. ۷۲۰). نامگذاری آن با پوسته گنبد ساختمان مرتبط است. پوسته خارجی آن تخریب شده است. عرض دیواره این بنا از نظر فرم ساخت و حتی مصالح با بنای ینگلی ارخ، مغاللو، هادی غیب و قاشق علیا قابل مقایسه است. عرض ورودی سنگی بنا ۹۰ و ارتفاع آن ۱/۳۰ متر است. قطر قسمت داخلی بنا ۴/۳۰ متر و ارتفاع بنا از قسمت بیرونی به ۶ متر می‌رسد. با احتساب ضخامت دیوارها که ۷۵ سانتی‌متر است، قطر خارجی برج نیز ۵۸۰ سانتی‌متر است (تصویر ۵). نکته مهم در ساخت بنا استفاده از مصالح سنگی است که استادکاران محلی در استفاده از آن مهارت داشتند. احتمالاً گنبد دو پوسته گسسته داشت و گنبد بیرونی نیز از نوع رگ^۱ بود. نکته مهم در استفاده از لاشه سنگ در ساخت گنبد است. شواهد و مدارک موجود نشان می‌دهد که معماران محلی در ساخت گنبد با لاشه سنگ از مهارت قابل توجهی برخوردار بودند (زارعی، ۱۳۹۶، ص. ۸۳).

۱. به بخش‌های شعاعی گنبد که باعث پدید آمدن گنبدهای «ترک‌دار» می‌شود، «رگ» گفته می‌شود.

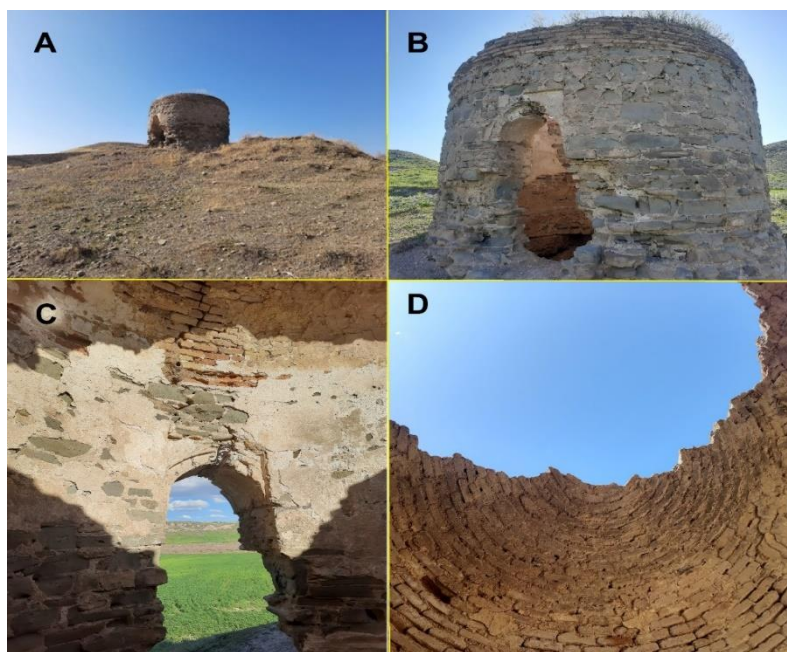


تصویر ۵. پلان، نما و مقطع برج اوچ گنبد (آرشیو میراث فرهنگی کردستان، ۱۳۵۲ و ۱۳۶۳)

۴. بنای یادمانی مغانلو

بنای یادمانی مغانلو در فاصله ۳۰۰ متری شرق رود قزل اوزن و ۱/۲ کیلومتری غرب جاده آسفالت مغانلو- بیانلو قرار دارد (تصویر ۶). این اثر مانند سایر بناهای یادمانی منطقه گروس نقشه‌ای دایره‌ای شکل و با سنگ لاشه محلی، ملات گچ نیم کوب و گل ساخته شده است. ضخامت دیوار در این برج به ۷۰ سانتی‌متر می‌رسد، ارتفاع بنا در حال حاضر ۶/۱۰ متر است. طبق حفاری غیر مجازی که در کنار بنا رخ داده نشان می‌دهد پی بنا از سنگ‌های برزگ و به ارتفاع ۱/۳۰ متر ساخته شده است. قطر داخلی بنا ۴/۳۰ متر و قطر بیرونی آن ۵/۷۰ متر است. در پوشش سقف از آجر به صورت گنبد بیضوی بعد از اتمام بدنه سنگی استفاده شده و لایه گچی کار شده در قسمت داخلی گنبد هنوز موجود است. برج در ضلع شرقی دارای یک درگاه ورودی است که ارتفاع

آن ۱/۹۰ و عرض آن ۸۵ سانتی‌متر است (تصویر ۵). در قسمت ورودی (سردر) از طاق تیزه‌دار استفاده شده و به‌نظر می‌آید دارای کتیبه بوده که امروزه موجود نیست. در قسمت داخلی بنا از پوشش گچ استفاده شده که فاقد تزئینات خاصی است. این بنای یادمانی بر اثر کم‌توجهی دچار آسیب شدید شده و بخش‌هایی از آن از بین رفته است. قسمت بیرونی این بنا فاقد هر گونه طاق‌نما و تزئینات است. با توجه به نمونه‌های مشابه در منطقه مانند میل خوئین، برج کهریز سیاه منصور و امامزاده قیدار نبی علیه السلام به‌نظر می‌رسد ساخت این بنا به دوره ایلخانی باز می‌گردد.



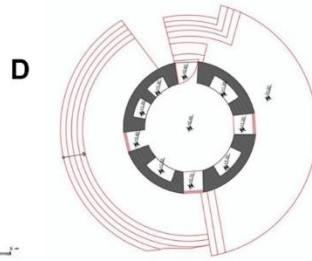
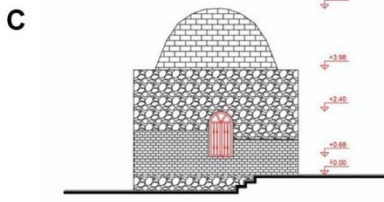
تصویر ۶. پلان، نما و مقطع برج مغانلو (نگارنده، ۱۴۰۱)

۵. برج‌های فاضل و هابیل، طیبه خاتون (شمالی و جنوبی)

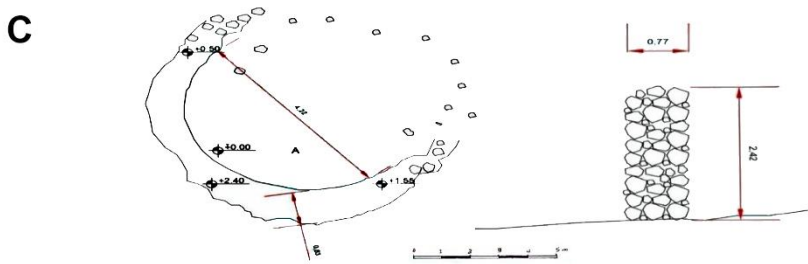
بنای شمالی: اطراف این بنا، سنگ‌چین شده و ارتفاع بنای شمالی (با احتساب ازاره) تا قبل از گنبد ۳۹۸ سانتی‌متر است. ارتفاع گنبد به ۲۴۰ سانتی‌متر می‌رسد. این بنا دارای یک سرداب در زیر بنای اصلی خود است که ورودی آن زیر ورودی اصلی بنا تعبیه شده‌است. در هنگام بازدید، درب آن با سنگ و ملات مسدود شده بود و امکان بازدید

و برداشت میسر نبود. این بنا دارای قاعده‌ایی مدور به قطر داخلی ۴۲۰ تا ۴۲۳ سانتی‌متر و دیواری به قطر ۸۰ سانتی‌متر است. بنا در داخل نیز دارای قاعده‌ایی مدور است. درب ورودی آن از سمت شرق باز می‌شود و در دارای ۳ پنجره با طاق مدور به صورت قرینه است. پنجره ضلع غربی در مقابل در ورودی قرار دارد. در داخل بنا ۵ طاقچه بزرگ و چندین طاقچه کوچک در ردیفی بالاتر ایجاد شده‌است. سقف گنبدی آن تک پوسته و آجری است و پاکار آن روی دیوار اطراف قرار گرفته است. نمای بخش بیرون آن به چهار قسمت تقسیم می‌شود. بخش پایین به ترتیب ازاره شامل ردیف‌های سنگی، بدنه یا ساقه بنای آجری و سنگی و بخش فوقانی (گنبد) با آجر کار شده‌است (تصویر ۷). بنا در سال ۱۳۹۰ توسط اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است.

بنای جنوبی: بنای جنوبی دچار تخریب گسترده شده، به طوری که فقط بخش‌هایی از دیوارهای آن باقی مانده است. جنس دیوارهای آن از سنگ و ملات گچ است. نیمه جنوبی دیوارهای آن سالم‌تر و در بهترین حالت ۲۴۲ سانتی‌متر از دیوارهای آن پابرجا است. قطر داخلی این بنا ۴۲۲ سانتی‌متر و ضخامت دیوار آن ۷۷ تا ۸۳ سانتی‌متر است (تصویر ۸). در داخل این دیوار یک طاقچه کوچک نیز دیده می‌شود. در داخل دیوار برای تسطیح دیوار، بین رج‌ها را با ملات گچ پوشانده‌اند.



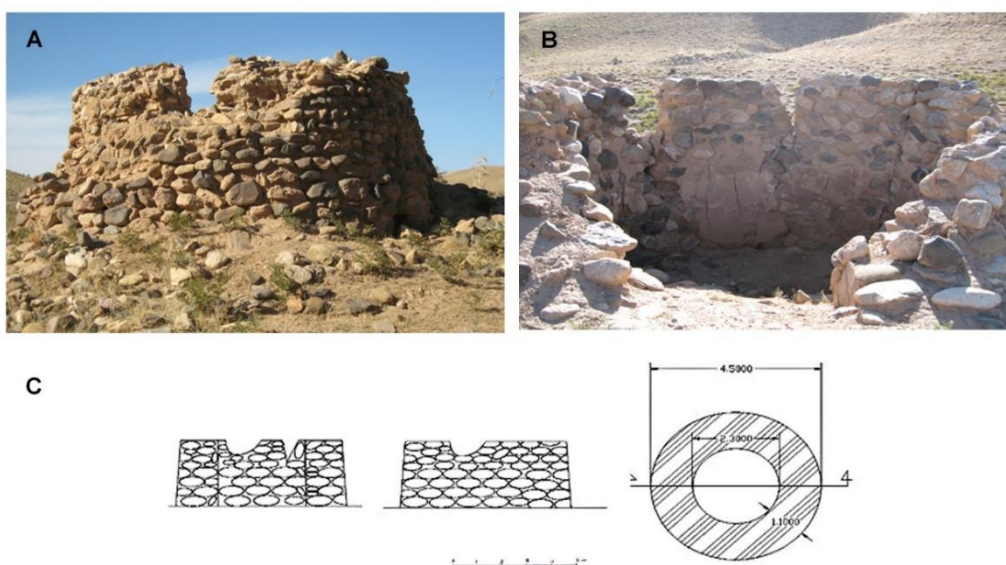
تصویر ۷. پلان، نما و مقطع برج شمالی قمچقای قبل و بعد از مرمت



تصویر ۸. پلان نما و مقطع برج جنوبی قمچقای

۶. برج مدور قاشق سفلی (هادی غیب)

در شمال غربی روستای قاشق سفلی دهستان سیاه منصور شهرستان بیجار، بنا یا میل یادمانی دیگر واقع شده است. پلان آن مانند سایر بناهای یادمانی منطقه مدور و مصالح آن شامل قلوه سنگ، سنگ‌های لاشه‌ای در ابعاد مختلف، ملاط گچ نیم کوب، گچ و کاه گل است. بر اساس دیوار داخلی باقی مانده، بنا دارای اندود گچ است. از این بنا فقط دیوارهای آن به اندازه ۲ متر باقی مانده، ضخامت دیوارها به ۱/۱۰ سانتی‌متر می‌رسد، قطر داخلی بنا ۲/۳۰ متر و قطر بیرونی آن ۴/۵۰ متر است (تصویر ۹). این بنا مانند سایر بناهای یادمانی در دوره ایستایی مسقف و پوشش آن مانند بناهای دیگر بیضوی دو پوسته و با استفاده از آجر ساخته شده بود.



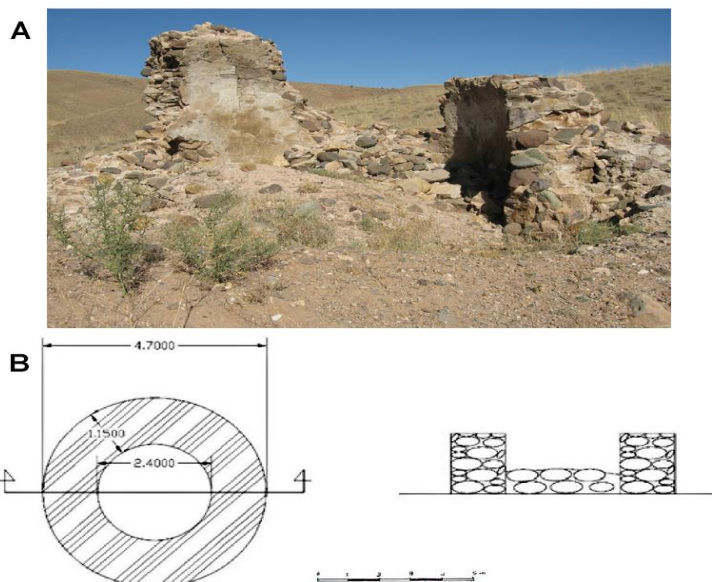
تصویر ۹. نما، پلان و مقطع بنای یادمانی روستای قاشق علیا (نگارنده، ۱۴۰۱)

۷. بنای مدور قاشق علیا

در روستای قاشق علیا دهستان سیاه منصور و از توابع بخش مرکزی شهرستان بیجار بنای قاشق علیا واقع شده است. این بنای یادمانی در نزدیکی خرابه‌های روستای قاشق علیا واقع شده و فاصله آن تا روستای متروکه ۲۰۰ متر است. پلان این بنا مدور و مصالح



به‌کار رفته در ساخت آن بوم‌آورد است. مصالح شامل قلوه سنگ، سنگ‌های لاشه‌ای در ابعاد مختلف، ملاط گچ نیم کوب، گچ و کاه‌گل است. قسمت باقی مانده (دیواره داخلی) دارای اندود گچ است که نشان‌دهنده استفاده گسترده از تزئینات گچی در این بنا است. از این بنا فقط دیوارهای آن به اندازه ۲ متر باقی مانده، ضخامت دیوارها به ۱/۱۵ متر رسد، قطر داخلی بنا ۲/۴۰ متر و قطر بیرونی آن ۴/۷۰ متر است (تصویر ۱۰). این بنا قطعاً مسقف و پوشش آن مانند بناهای یادمانی مغانلو بیضوی دو پوسته و با استفاده از آجر ساخته شده بود. فاصله برج تا رودخانه فصلی که در ضلع غربی آن قرار گرفته ۱۵۰ متر و فاصله آن با بنای یادمانی هادی غیب که در ضلع جنوبی آن واقع شده یک کیلومتر است. راه دسترسی به این بنا از طریق روستای قاشق سفلی است. بعد از عبور از این روستا به فاصله یک کیلومتر به سمت شمال روستا تا قاشق علیا مسیر را طی کرده تا به روستای متروکه قاشق علیا می‌رسیم و در فاصله ۲۰۰ متری شمال شرقی قاشق علیا برج در کنار قبرستان روستا قاشق علیا دیده می‌شود. بنا از تمام لحاظ قابل مقایسه با برج روستای قاشق سفلی و سایر بناهای یادمانی در مناطق همجوار با محدوده پژوهش است.



تصویر ۱۰. پلان، نما و مقطع برج هادی غیب روستای قاشق (نگارنده، ۱۴۰۱)

ویژگی بناهای یادمانی و راهنما در منطقه گروس

بناهای یادمانی که در دوره‌های ایلخانی و تیموری ساخته شده‌اند، دارای ویژگی‌های محلی خاصی هستند. یکی از وجوه تمایز بناهای یادمانی منطقه گروس با مقابر برجی شکل در سایر نقاط کشور آن است که هیچ یک از مقابر این منطقه دارای سردابه تدفینی نیستند. مواد و مصالح این بناها عموماً از آجر، سنگ ملات گچ و ساروج است. نقشه این بناها در یک مورد ضلع‌دار و بقیه مدور است. گنبد بناهای یادمانی از نوع دو پوسته بوده که با شرایط اقلیمی منطقه در ارتباط است. گنبد داخلی فضای مناسبی برای تزئین داخل مقبره فراهم می‌کرد از سوی دیگر گنبد خارجی به صورت ترکیه‌ای^۱ ساخته می‌شد و رفعت و هیبت مقبره را متجلی می‌کرد. برای ایجاد پوشه داخلی از روش مرسوم گوشوار زدن استفاده می‌کردند. در بالای سردرب ورودی معمولاً کتیبه‌هایی در یک یا دو ردیف جانمایی می‌شده‌است. نمای داخلی اغلب این مقابر با گچ و بخش‌های بیرونی بدون تزئین هستند. آجر گنبد بناها با دقت و ظرافت تمام بندکشی شده‌است. ورودی این بناها نیز غالباً رو به جنوب و شرق دارد. برج (میل) راهنماهای منطقه بیجار به‌رغم دارا بودن ویژگی‌های مشابه، دارای تفاوت‌هایی از نظر ابعاد، ارتفاع، تزئینات با برج‌های دیگر نواحی هستند. در بروز این ویژگی‌ها دست کم سه عامل عمده، تأثیرگذار بوده‌است: اول، موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی، دوم، سبک‌ها و سلیقه‌های بومی و محلی و سوم، نقش حکومت‌ها و خاندان‌های محلی منطقه.

بناهای یادمانی مشابه در مناطق همجوار

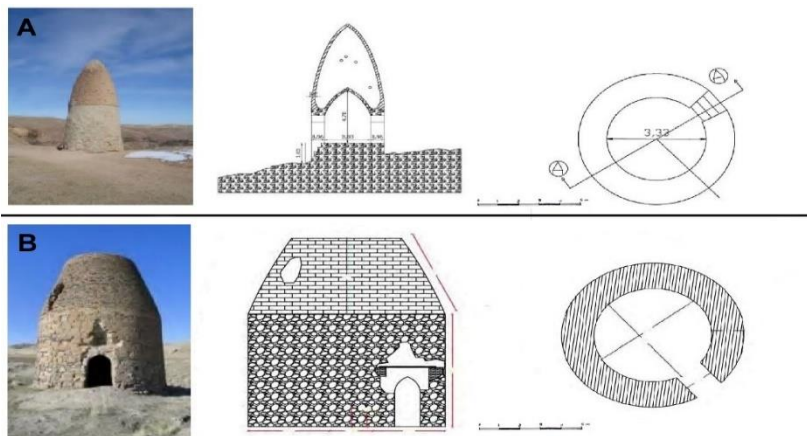
بررسی‌ها نشان می‌دهد بناهای مورد مطالعه، قابل مقایسه با نمونه بناهای یادمانی شناسایی شده در مناطق همجوار با شهرستان بیجار هستند که برخی از آنها شامل: میل خوئین، گنبد کهریز سیاه منصور، آرامگاه قیدار نبی علیه السلام شهرستان خداآبند و مقبره شیخ براق در چلبی اوغلو سلطانیه واقع در استان زنجان هستند. میل خوئین و برج کهریز

۱. نوعی سازه گنبدی است که در آن اسکلت یا ساختار اصلی گنبد از تعدادی ترکیه یا تیر برابر باریک و شعاعی تشکیل می‌شود که از یک نقطه مرکزی در بالای گنبد (تاج گنبد) تا پای گنبد امتداد دارد.

سیاه منصور هر دو در استان زنجان و همجوار با منطقه بیجار هستند و از لحاظ مصالح و پلان کاملاً مشابه با نمونه‌های مورد پژوهش هستند.

نقشه بناها مدور و ساقه آن از مصالح بوم‌آورد و بدنه اصلی با لاشه سنگ، گچ و آهک ساخته شده، گنبد بناها دو پوسته از نوع رگ و با آجر کار شده‌است. میل خوئین در حال حاضر یک ورودی در ضلع شمالی دارد که به جهت ورود به آن می‌بایست سه پله را طی کرد. همچنین اضلاع شمالی و جنوبی دارای دو پنجره است. احتمال قریب به یقین قسمت‌های بیرونی و یا داخلی بنا مزین به کتیبه و یا نقوش بوده که با توجه به انجام تعمیرات غیر اصولی در سال‌های اخیر (حدوداً ۱۳۵۰ش) تزئینات از بین رفته یا در زیر لایه‌های سیمان‌کاری قرار گرفته‌اند (تصویر A۱۱). بنای کهریز بنایی استوانه‌ای شکل گنبد دار است. تاریخ ساخت بنا دقیقاً مشخص نیست. در ضلع شمالی بالای ورودی، محل خالی‌ای وجود دارد که به گفته اهالی منطقه در گذشته کتیبه‌ای سنگی داشته که تاریخ احداث گنبد در آن ذکر شده بود. این کتیبه امروزه به سرقت رفته اما به گفته مردم محلی تاریخ مرمت بنا بر اساس کتیبه مذکور مربوط به دوره صفویه بوده‌است. دلیل نامگذاری بنا به گنبد نیز به جهت نوع پوشش گنبدی بنا بود. پلان بنا به شکل مدور به قطر $4/43$ و به ارتفاع $7/25$ متر است (تصویر B۱۱). بنای گنبد به شکل یک استوانه بزرگ ساخته شده و پوشش آن از نوع گنبدی است. مصالح به کار رفته در ساخت بنا لاشه سنگ، آجر و ملاط گچ است. سازندگان بنا ساختار استوانه‌ای بنا را با لاشه سنگ‌های تقریباً منظم اجرا کرده در ساخت گنبد از آجر استفاده کرده‌اند. البته با توجه به شواهد موجود، احتمالاً گنبد آجری در دوره دیگری به بنا اضافه شده‌است. هرچند همین گنبد نیز تا انتها نرسیده و تکمیل نشده‌است. ورودی بنا از طریق یک درگاه کوچک با طاق قوس جناغی است که در ضلع شمالی قرار دارد. داخل بنا کاملاً مدور است و دیوارها دارای پوشش گچی است. با توجه به توضیحات فوق بناهای مذکور کاملاً از لحاظ مصالح و نقشه مشابه نمونه‌های منطقه بیجار هستند. چنین به نظر می‌رسد که ساخت این نوع بناها که امروزه در منطقه زنجان قرار گرفته‌اند در سده‌های میانی دوره اسلامی جزو محدوده گروس (بخش سیاه منصور) بوده‌است.





تصویر ۱۱. (A) تصویر و پلان میل خوئین (B) تصویر و پلان برج کهریز سیاه منصور

راه‌های ارتباطی منطقه گروس در دوره اسلامی

بعد از اسلام، با افزایش اهمیت مناطق جبال و راه‌های ارتباطی آن، منطقه گروس نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، به برخی راه‌های ارتباطی جبال متصل شد. در سده‌های اولیه دوره اسلامی جغرافیانویسان مطالبی راجع به منطقه و مسیرهای ارتباطی آن نوشته‌اند. ابودلف (۱۳۵۴، ص. ۳۸) در سفرنامه خود که در قرن چهارم نگاشته درباره شیز (تخت سلیمان) می‌گوید: شیز شهری است میان مراغه، زنجان، سهرورد و دینور. وی ضمن اشاره به شیز از دیگر شهرهای منطقه که به وسیله راه‌های مواصلاتی با هم ارتباط داشته‌اند سخن گفته است. در کتاب *تذکره جغرافیایی تاریخی ایران* به نقل از اصطخری در اشاره به شهرهای شمال ایالت جبال، چنین بیان آمده که در شمال شهر همدان و قزوین شهری وجود نداشت؛ از شمال همدان راهی از شهر سهرورد به زنجان می‌رفت که این راه بیشتر از همه مستقیم بود اما به دلیل حضور کردها در سهرورد ایمن نبود (بارتولد، ۱۳۰۸، ص. ۲۶۱). این مسیر کوتاه‌تری بود که همدان را به سلطانیه و سپس به زنجان متصل می‌کرد. از مسیرهای ارتباطی دیگر در این دوره، مسیر دینور به آذربایجان است که از دینور، خبازان، تل وان، سی سر و برزه می‌گذشت (ابن خردادبه، ۱۳۷۱، ص. ۱۲۱). این راه قطعاً از منطقه گروس عبور نموده است. از دیگر راه‌های مهم

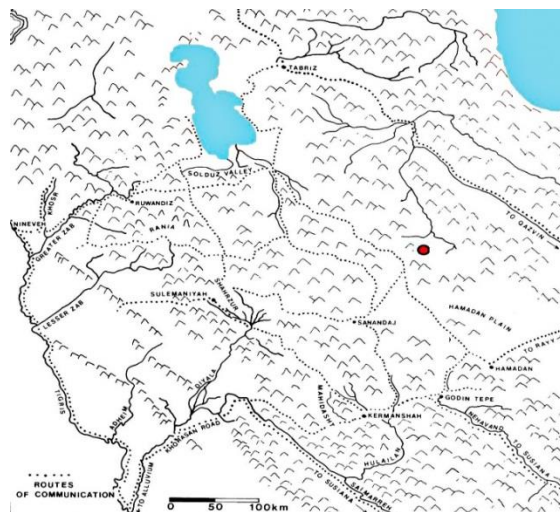
مخصوصاً در دوره مغول، راهی بود که بصره را به بغداد متصل می‌کرد و از آنجا از راه اربیل (هولیر) و کوه‌های کردستان، پس از عبور از منطقه گروس به مراغه و نهایتاً به تبریز می‌رسید. راه ارمنستان صغیر نیز از طریق معابر کوهستانی کردستان یا از راه ارزنه الروم و سیواس در (Lajazzo) یا از راه وان و دیاربکر به خلیج اسکندرون می‌رسید که مرکز تجارت بزرگ تجار ایتالیایی و فرانسوی و اسپانیایی بود.

دو مرکز ارتباطی مهم در اطراف منطقه گروس، شاهراه بزرگ خراسان و راه‌های ارتباطی سلطانیه بود. پس از انقراض خلافت عباسیان، شهر سلطانیه رونق یافت و پایتخت ایلخانان شد. پس از آن ترتیب جاده‌ها تغییر کرد. این تغییر در راه‌های اصلی تأثیر چندانی نداشت. در اوایل فرمانروایی خلفای عباسی، از سمت راست و چپ شهرهای بزرگی که بر شاهراه خراسان واقع شده بودند، راه‌هایی منشعب می‌شد که به دیگر نقاط ایران می‌رفت. از حوالی کرمانشاه راهی به سمت شمال می‌رفت تا به تبریز و شهرهایی می‌رسید که در ساحل دریاچه ارومیه بودند. البته لسترنج (۱۳۶۷، ص. ۱۱) در کتاب خود، در توصیف راه‌های حج در دوره خلافت عباسی نقشه‌ای ترسیم کرده که نشان می‌دهد این راه از منطقه گروس می‌گذشته و سپس به طرف تبریز می‌رفته است. در دوره مغول با پدید آمدن شهر سلطانیه، در بین ابهر و زنجان، بر اهمیت اقتصادی منطقه شمال غرب ایران امروزی افزوده شد. حمدالله مستوفی (۱۳۶۲، ص. ۱۶۳) از شهر سلطانیه به توصیف شاهراه‌های آن پرداخت: شاهراه جنوبی، راهی که به همدان و از آنجا به بغداد و مکه می‌رفت؛ شاهراه شرقی به قزوین و ورامین و خراسان؛ شاهراه شمالی از طریق زنجان به اردبیل و قفقاز؛ و شاهراه غربی از زنجان به تبریز و آسیای صغیر می‌رسید.

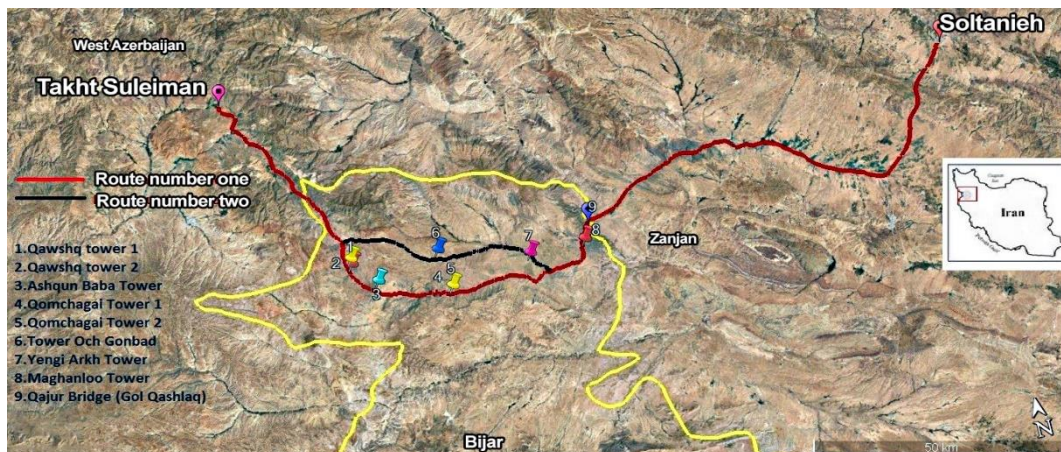
با این اوصاف بیجار گروس در حاشیه مسیرها از جمله همدان - بغداد، کرمانشاه - آذربایجان و سلطانیه - بغداد قرار داشت (تصویر ۱۲). مشاهدات میدانی در منطقه منجر به بازسازی یک مسیر مهم در سده‌های میانی دوره اسلامی شد که با کمک میل‌های راهنما و یادمانی و پل قجور (گل قشلاق) از شیز (تخت سلیمان) تا سلطانیه امتداد داشت. در متون مکتوب راجع به این مسیر اشاره‌ای نشده اما این راه باعث اتصال منطقه گروس به شاهراه بزرگ خراسان از طریق آذربایجان به ری می‌شد. تمامی مسیر از نقاط پست منطقه



می‌گذرد. بر اساس بررسی‌های به عمل آمده به دلیل شرایط آب و هوایی منطقه و قرارگیری آن در بالاترین حد ارتفاعی از سطح دریا، مسیر از نقاط پست جانمایی شده بود. این مسیر بعد از عبور از تخت سلیمان به مسافت ۴۰ کیلومتر از میان دره رودخانه دائمی قزل اوزن به روستای قاشق می‌رسید. در این نقطه مسیر به دو شاخه تبدیل می‌شد: مسیر شماره یک که ظاهراً بسیار پر تردد بود (به دلیل تعداد میل راهنمای بیشتر)، بعد از طی یک کیلومتر به بنای یادمانی هادی غیب در روستا قاشق سفلی می‌رسید. سپس با طی مسیری هفت کیلومتری به سمت جنوب به بنای یادمانی اشقون بابا و بعد از آن با طی مسافت پانزده کیلومتری به بناهای یادمانی قمچقای می‌رسید. در ادامه این مسیر بعد از طی سی کیلومتر از میان دره به بنای یادمانی مغانلو می‌رسید و در نهایت با عبور از پل گل قشلاق به سمت سلطانیه می‌رفت. اما مسیر شماره دو بعد از بناهای یادمان قاشق علیا به سمت شمال بعد از طی مسافت پانزده کیلومتری از میان دره ایجاد شده توسط رودخانه به بنای یادمانی اوچ گنبد می‌رسید و بعد از آن با مسافت تقریباً بیست کیلومتری به بنای ینگلی ارخ و بعد از مسافت کوتاه به مسیر شماره یک متصل و به بنای مغانلو می‌رسید. سپس بعد از عبور از پل گل قشلاق که به واسطه عبور و مرور احداث شده بود، مسیر ادامه یافته و به سلطانیه می‌رسید (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۲. مسیر شمال غرب و غرب ایران (Algaze, 1989, p. 582)



تصویر ۱۳. پلان مسیرهای ارتباطی بین بناها (نگارنده، ۱۴۰۱)

بحث و تحلیل

براساس مطالعه هشت بنای یادمانی منطقه بیجار گروس، برج اشقون بابا از لحاظ فرم و ساختار در مقایسه با سایر برج‌های شناسایی شده یک شیوه متفاوت در معماری اسلامی غرب ایران را نشان می‌دهد. این برج با پلان هشت ضلعی و ارتفاع بیش از ۱۴ متر و مصالح به‌کار رفته در آن یک نمونه برجسته از بناهای یادمانی و میل راهنما در سده‌های میانی دوره اسلامی است. در این بنا قوس‌های تیزه‌دار و جناغی، طاق‌نماهای درونی و بیرونی ساخته شده از آجر و گچ، کاشی‌کاری در رخبام، گنبد دو پوسته گسسته، خود رگ چند ترک که با کاشی و آجرهای لعابدار فیروزه‌ای تزئین شده و استفاده از مقرنس آجری به‌عنوان اصلی‌ترین شاخص‌های بنا شناخته می‌شود. در پرونده ثبتی این اثر زمان ساخت آن را به قرن ششم هجری قمری نسبت داده‌اند (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۰). در این خصوص باید با احتیاط سخن گفت چرا که این برج از لحاظ کلی با آثاری همچون گنبد شیخ براق یا چلبی اوغلو در سلطانیه، امامزاده جعفر قم و امامزاده جعفر اصفهان قابل مقایسه است؛ از این‌رو می‌توان گفت دوره ساخت آن به دوره ایلخانی باز می‌گردد. ساخت هفت برج یادمانی دیگر از جمله ینگی ارخ، اوچ گنبد، برج‌های شمالی و جنوبی روستای قمچقای، برج هادی غیب، برج قاوشق، برج مغانلو در مقایسه با برج اشقون بابا از لحاظ سبک معماری شیوه متفاوتی

دارند. این برج‌ها دارای نوعی سبک منحصر به فرد و محلی با پلان مدور هستند. در بنای این برج‌ها از سنگ و ساروج به‌عنوان ملات استفاده شده‌است. وضعیت برخی از این برج‌ها نشان می‌دهد که گنبد (سقف) آنها نیز از لاشه سنگ و به صورت دو پوسته است. ابعاد داخلی این برج‌ها تقریباً مشابه و قطر ۴ الی ۴/۵ و قطر خارجی آنها بین ۵ الی ۶ متر است. ضخامت دیواره آنها نیز معمولاً حدود یک متر است. سر در ورودی این بناها در جهت جنوب و شرق ایجاد شده و بر اساس نمونه‌های باقی مانده در قسمت بالای سر در ورودی کتیبه‌ای برای معرفی بنا یا برای اشاره به مرمت آن در دوره‌های بعد وجود داشته است. نمای داخلی اغلب این برج‌ها با گچ و بخش‌های بیرونی بدون تزئین هستند. هر چند در پرونده ثبتی برخی از این برج‌ها زمان ساخت را دوره صفویه دانسته‌اند اما آنچه که قابل درک است از نظر شکل ظاهری و نقشه، این برج‌ها با برج مدور مراغه قابل مقایسه است (هیلن براند، ۱۳۷۹، ص. ۲۰)؛ زمان ساخت آنها به دوره ایلخانی باز می‌گردد. از لحاظ ساختار و فرم از نمونه‌های مشابه دیگر این نوع برج‌های راهنما می‌توان به میل خوئین و برج کهریز در استان زنجان اشاره کرد.

بنای برج‌هایی که در منطقه بیجار گروس وجود دارند بر پایه مطالعات به انجام رسیده منجر به بازسازی یک مسیر ارتباطی در سده‌های میانی دوره اسلامی شده‌است که پیشتر از آن این محور برای ما ناشناخته بود. با ترسیم خط ارتباطی بین این برج‌ها دو مسیر در محدوده این شهرستان قابل تصور است. این دو مسیر در نهایت بعد از عبور از پل قجور ارتباط تخت سلیمان به سلطانیه به‌عنوان یک مسیر مهم کاروان‌رو نمایان می‌شود.

نتیجه

تحولات سیاسی در منطقه گروس که امروزه بخش گسترده‌ای از آن در استان کردستان قرار دارد، در سده میانه تا متاخر اسلامی بسیار شدید و پرفراز و نشیب بوده است. درگیری‌های اقوام، گروه‌های سیاسی، هجوم و جنگ‌های خونین بیگانگان، موجب تأثیر و تأثر بر رفتار و اعتقادات مردم و در نهایت خلق آثار هنری از جمله آثار معماری شده است. وجود تعدادی از بناها با نقشه مدور گنبدی در منطقه معروف به میل یا گنبد که کاربری دقیق آنها مشخص نیست، می‌تواند برآیندی از تأثیر تحولات سیاسی در هنر معماری آرامگاهی باشد. در هر حال چنین بناهایی در گوشه و کنار استان کردستان، در مناطق روستایی و در ابعاد مختلف با عنوان گنبد و میل از سده‌های گذشته بر جای مانده است. برج‌های آرامگاهی منطقه نمونه شاخص از میل‌های راهنما در کنار مسیرهای ارتباطی هستند. مطالعه ساختار معماری بنا و مقایسه اجزای معماری آن به خصوص شکل گنبد، ساقه بنا و ازاره آن با برخی بناهای داخل و بیرون استان نشانگر آن است که هر هشت بنا مربوط به سده ۵ تا ۸ هجری است. بناهای مذکور در میان مردم محلی به میل و گنبد معروف هستند و هیچ مدرک مستندی از کاربری بناها موجود نیست. با توجه به بررسی‌ها و مقایسه به عمل آمده از بناهای بقعه شیخ براق (چبلی اوغلو)، آرامگاه قیدار نبی و برج کهریز سیاه منصور شهر ایجرود استان زنجان و انطباق آنها از نظر معماری به نظر می‌رسد که سال ساخت این بناها نیز مربوط به سده‌های ۵ تا ۸ هجری است. با وجود این تاریخ‌گذاری، ارائه تاریخ و نوع عملکرد بناهای مذکور نیازمند مطالعات میدانی از جمله کاوش و گمانه‌زنی باستان‌شناختی است. مطالعات میدانی این بناهای یادمانی منجر به بازسازی و تکوین راه ارتباطی سده‌های میانی دوره اسلامی در منطقه شد که در منابع و متون به آن اشاره نشده است. وجود دو مرکز مهم حکومتی در همسایگی منطقه مورد مطالعه در سده‌های میانی (ایلخانی) باعث شده تا منطقه گروس نقش یک مسیر ارتباطی میان دو مرکز را داشته باشد. با توجه به شرایط محیطی منطقه مسیر انتخابی که از تخت سلیمان به سلطانیه می‌رود از منطقه شمال بیجار عبور می‌کرد؛ از این رو بناهای یادمانی که در مسیر با فاصله‌های معین ساخته شده بود به‌عنوان میل راهنما استفاده می‌شد. به جز برج اشقون بابا با تزئینات منحصر به فرد آجری، سایر بناهای یادمانی حالت ساده و با مصالح بومی ساخته شده است. در انتهای این مسیر برای عبور از روی رودخانه قزل اوزن نیز که در آن زمان از دبی آب بسیار بالایی برخوردار بود؛ پل قجور (گل قشلاق) ساخته شده بود.

منابع

- آرشیو میراث فرهنگی کردستان (۱۳۵۲ش). گزارش برج‌های اشقون بابا و ینگگی ارخ. سنندج: آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان.
- _____ (۱۳۶۳ش). گزارش برج اوچ گنبد، سنندج: آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان.
- ابن خردادبه (۱۳۷۱ش). مسالک الممالک. به کوشش سعید خاکرند. تهران: موسسه مطالعات تاریخی میراث ملل.
- ابودلف، مسعر بن المهلهل الخزرجی (۱۳۵۴ش). سفرنامه. ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی. تهران: زوار.
- الیاسوند، محمد ابراهیم (۱۳۸۵ش). گزارش بررسی باستان‌شناسی بخش سیلتان و خورخوره شهرستان بیجار. سنندج: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی کردستان.
- _____ (۱۳۸۶ش). گزارش بررسی باستان‌شناسی بخش سیلتان و طغامین شهرستان بیجار. سنندج: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی کردستان.
- بارتولد، و (۱۳۰۸ش). جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه حمزه سردادور. تهران: اتحادیه.
- پازوکی، ناصر و عبدالکریم شادمهر (۱۳۸۴ش). آثار ثبت شده در فهرست ملی. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور.
- زارعی، محمدابراهیم (۱۳۸۱ش). سیمای میراث فرهنگی کردستان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- _____ (۱۳۹۲ش). آثار فرهنگی باستانی و تاریخی استان کردستان. همدان: سبحان نور.
- _____ (۱۳۹۶ش). «بازشناسی سه برج آرامگاهی: اشقون بابا، اوچ گنبد خان و ینگگی ارخ در شهرستان بیجار استان کردستان». مجله مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۲. ص ۷۷-۸۹.
- عزیززی، اقبال (۱۳۸۰ش). بررسی باستان‌شناسی بخش چنگ الماس شهرستان بیجار. سنندج: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی کردستان.
- لسترنج، گای، م (۱۳۶۷ش). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمد عرفان. تهران: علمی فرهنگی.
- حمدالله مستوفی (۱۳۶۴ش). تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۶۲ش). نزه القلوب. به اهتمام لسترنج گای. تهران: دنیای کتاب.
- مشبکی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۷ش). «مقایسه تطبیقی معماری مقابر دوره سلجوقیان و ایلخانیان در شهرستان مراغه با نگرش کالبدی». دو ماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی. سال ۳. شماره ۲. ص ۱-۱۱.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۷۹ش). معماری اسلامی. ترجمه ایرج اعتصام. تهران: شهرداری تهران.
- Algaze, Guillermo. (1989). "Dynamics of Expansion of Early Mesopotamian Civilization", Journal of Field Archaeology, Vol. 21, No. 4.